

امنیت فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری

دانیال رضاپور

دکتری روابط بین الملل از دانشگاه گیلان. رشت. ایران.

danyalrezapoor@gmail.com

علی اسکندری نسب

کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران. تهران. ایران.

Alieskanddari70@yaho.com

چکیده

یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت ملی امنیت فرهنگی است. امنیت فرهنگی با توجه به رکن امنیت، که همان هویت است، می‌تواند الگویی کارآمد جهت سوگیری سیاست‌ها و استراتژی‌ها عرضه کند. با توجه به ناکارآمدی راهبردهای امنیتی مکاتب غربی، نویسنده درصدد است ابعاد امنیت را بر مبنای راهبرد امنیتی و با الگوی علمی رایج در مکتب امنیتی اسلام بررسی کند؛ بنابراین، مقاله حاضر با تمسک به خصایص و ظرفیت بیانات مقام معظم رهبری سعی دارد احکام و اندیشه‌های معظم‌له را تجمیع و اصول ضوابط اسلامی امنیت را استنتاج و زمینه تکوین امنیت فرهنگی در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ایران را فراهم آورد. نظر به اهمیت موضوع، نگارندگان در پژوهش حاضر به تفحص در ماهیت امنیت فرهنگی و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. با توجه به مباحث یادشده، پرسش نوشتار چنین مطرح می‌شود که مهم‌ترین مؤلفه‌های تقویت و تهدیدکننده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری چیست؟ یافته‌های پژوهش حاکی است که با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، که دارای ظرفیت بالقوه‌ای از قدرت نرم است، می‌توان

عوامل تقویت‌کننده امنیت فرهنگی از منظر ایشان را تعلیم و تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی و عوامل تهدیدکننده را وابستگی فرهنگی، خودباختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی بیان کرد. روش تحقیق تبیینی و توصیفی و ابزار گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است. **کلیدواژه‌ها:** مقام معظم رهبری، امنیت فرهنگی، فرهنگ، انقلاب اسلامی ایران، قدرت نرم.

مقدمه و طرح مسئله

در ۱۳۵۷ متفاوت‌ترین انقلاب از سلسله انقلاب‌ها، در اوج اقتدار نظامی و اقتصادی خاندان پهلوی اتفاق افتاد. شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم آنچه انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز کرده است بعد فرهنگی و جنبه‌های نرم‌افزارگرایانه آن است (رضاپور، ۱۳۹۴: ص ۹)؛ بنابراین، فرهنگ به واسطه نقش و اهمیتی که در جامعه دارد، همواره مورد توجه انقلاب و رهبران انقلاب اسلامی ایران بوده است و امام خامنه‌ای با وقوف کامل به این نقش، توانست انقلاب اسلامی را - که یک انقلاب فرهنگی است - بعد از امام خمینی (رحمة الله علیه) هدایت کند؛ از این رو، فرهنگی که چنین نقشی را در جامعه ایفا می‌کند، می‌تواند از جهت‌های مختلف تهدید شود که امنیت این فرهنگ، موضوعیت می‌یابد و فهم و درک نظر امام خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب ضروری به نظر می‌رسد (علیزاده، ۱۳۹۳: ص ۱۴).

در بیانات مقام معظم رهبری فرهنگ یکی از پایه‌های اساسی قدرت و اقتدار ملی است. از نظر ایشان قدرت یک ملت بر سه عنصر اقتصاد، فرهنگ و علم و دانش استوار است و البته فرهنگ از اقتصاد مهم‌تر است؛ چراکه از دیدگاه ایشان فرهنگ به مثابه هوایی است که یک ملت در آن تنفس می‌کنند و الهام‌بخش مردم در کنش‌ها و اعمال آن‌هاست (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ص ۳۲). «شما هرجا هستید، بحمدالله همه‌تان جایگاهی برای گفتن و تأثیرگذاری دارید و منبرهایی در اختیار شما هست؛ از این‌ها استفاده کنید برای اینکه در جامعه و در چشم‌نخبگان کشور مسئله فرهنگ را در جایگاه واقعی و شایسته خود بنشانید؛ این خیلی مهم است. فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل فرهنگ‌اند؛ به این باید توجه کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۹۲/۰۹/۱۹)؛ به عبارت

دیگر، می‌توان گفت از نظر مقام معظم رهبری، فرهنگ زمینه و بافتاری است که تمامی کنش‌های معنادار یک ملت در درون آن و تحت تأثیر آن شکل می‌گیرد. فرهنگ به مثابه بنیان امنیت، بار دیگر پس از برجام، در کنش‌های گفتاری رهبری پررنگ شده و ایشان با کلیدواژه نفوذ به مثابه زمینه‌ساز تغییر آرمان‌ها و ارزش‌ها به آن اشاره می‌کنند و با تأکید بر ماهیت نرم تهدید نفوذ، ضمن بازشناسی انواع نفوذ، نفوذ فرهنگی و سیاسی را خطرناک‌تر از نفوذ اقتصادی و حتی امنیتی می‌دانند (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ص ۳).

شایان توجه است پیش از آنکه نظریه‌های امنیت در سیر تکاملی خود به بارزتر شدن متغیرهای هویتی برسند، اهمیت متغیرهای هویتی در مدیریت حکیمانه و ژرفاندیش جامعه در قرآن کریم مورد توجه نظریه‌پردازان دینی چون فارابی و سایر اندیشمندان هم بوده است. زیرا پیچیدگی رفتار انسان که به پیچیدگی، تلاطم، آشوب‌زدگی و تعاملات اجتماعی منتهی شده، درک مسائل را بیش از پیش دشوار کرده است. در چنین شرایطی هیچ تصمیم مناسبی بدون داشتن درک و تصور صحیح از موقعیت و محل قرارگرفتن تحلیلگر و تصمیم‌گیر اتخاذ نخواهد شد؛ در واقع، آنچه به عنوان نظریه امنیتی در اسلام مطرح است بیانی توضیحی از یک موقعیت، یعنی نسبت صاحب رویکرد با خود و غیر خود است. سطوحی از این موقعیت‌شناسی بسیار بنیادی به جنبه‌های هستی‌شناسانه یا معرفت‌شناسانه بازمی‌گردد و سطوحی دیگر به لایه‌های عینی ترجیحات زندگی بشر نزدیک‌تر می‌شود که همان سطح تماس حوزه سیاست، اجتماع، فرهنگ و امنیت است. نظریه نسبت به مردم، سرزمین، تهدید، دوست، دشمن، جنگ و قدرت و غیره می‌تواند حلقه موقعیت‌شناسی را تکمیل کند؛ از این رو، هرچه اجزای تصورات و ادراکات یک شخص (مقام معظم رهبری) یا یک نظام (جمهوری اسلامی ایران) در تبیین موقعیت هماهنگ‌تر و منجسم‌تر باشد، مدیریت تصمیم‌گیری واقعی‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود.

با توجه به ناکارآمدی راهبردهای امنیتی مکاتب غربی، نویسنده درصدد است ابعاد امنیت را بر مبنای راهبرد امنیتی و با الگوی علمی رایج در مکتب امنیتی اسلام بررسی کند؛ بنابراین، مقاله حاضر با تمسک به خصایص و ظرفیت بیانات مقام معظم رهبری سعی دارد احکام و اندیشه‌های ایشان را تجمیع و اصول ضوابط اسلامی امنیت را استنتاج و زمینه تکوین امنیت فرهنگی در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ایران را فراهم آورد. با توجه به مباحث ذکر شده، پرسش اصلی این پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت فرهنگی از منظر مقام معظم رهبری چیست؟ فرضیه موقت ما، با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، که دارای ظرفیت

بالقوه‌ای از قدرت نرم است، می‌کوشد عوامل تقویت‌کننده امنیت فرهنگی از منظر ایشان را تعلیم و تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی، و عوامل تهدیدکننده وابستگی فرهنگی را خودباختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی بیان کند. در سازمان‌دهی پژوهش بعد از تعاریف مختصر از مفاهیم پایه‌ای تحقیق و ادبیات نظری، امنیت فرهنگی از منظر بیانات و رهنمودهای معظم‌له به‌عنوان موضوع اصلی پژوهش بررسی می‌شود.

در ادبیات پژوهش افتخاری (۱۳۹۱)، آشنا و اسمعیلی (۱۳۸۸) و صالحی امیری (۱۳۸۶) تلاش کرده‌اند تا حوزه مفهومی، مؤلفه‌های اصلی و سطوح عملکرد امنیت فرهنگی را بررسی کنند و درباره انگیزه‌های حکومت‌ها برای پرداختن به مسائل امنیتی به‌ویژه امنیت فرهنگی در سطح ملی تأمل و تحقیق کنند. لک‌زایی و نباتیان (۱۳۹۲) از منظر فقه و شیعه و ترابی (۱۳۹۲) از منظر امنیت اخلاقی سعی کرده‌اند علاوه بر تعاریف جدید از مفاهیم امنیت در هزاره سوم، ابعاد فرهنگی، هنجاری، ارزش‌ها، اخلاق، کرامت و شرافت انسانی را که ارتباط نزدیکی با مفاهیم فرهنگی قرآن دارد و راهنمای شیوه رهبری مقام معظم رهبری است تشریح کنند. گلشن‌پژوه (۱۳۸۷) معتقد است که امنیت فرهنگی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در امنیت ملی کشور است که دشمنان این مرز و بوم در تلاش هستند به شیوه نرم در براندازی این نظام نوپا عمل کنند؛ از این رو، نویسنده سعی کرده اثرهای جنگ نرم دشمن را بر امنیت فرهنگی کشور بیان کند و کشور ایران نیز می‌تواند با شناخت راه‌کنش‌های مورد استفاده در جنگ نرم و شناخت شاخص‌های امنیت فرهنگی و تهدید امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به اهداف مورد نظر دست یابد.

تعریف مفاهیم

امنیت: مفهوم امنیت نوعی پیچیدگی در خود دارد و در پیشینه تاریخی خود با نوعی تحول معنایی جدال‌انگیز روبه‌رو بوده است. تغییر مفهوم سنتی امنیت به برداشت‌های جدید و همچنین، تأکید بر ابعاد داخلی و نگرش غیرنظامی به امنیت و تغییر رویکرد در مبنای قدرت ملی از نگاه‌های سخت‌افزاری به نگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از جمله دلایل تحول معنایی است. در تعاریف معاصر، امنیت به مقوله‌ای چندوجهی تبدیل شده است و عرصه‌های مختلف حیات بشری را دربر می‌گیرد؛ عرصه‌هایی مانند آزادی، مشارکت سیاسی (از حوزه امنیت سیاسی)، تأمین اشتغال، مسکن، رفع فقر، رفاه و حفظ حقوق افراد در محاکمه قضایی، امنیت سرمایه‌گذاری و غیره (از حوزه امنیت اقتصادی و حقوقی)، بهره‌گیری از اوقات فراغت (از حوزه امنیت اجتماعی)، حفظ

حریم خصوصی و فردی، آرا و اندیشه‌های شخصی و غیره (از حوزه امنیت فردی)، آرامش خاطر، رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌های روحی و روانی و غیره (از حوزه امنیت روانی). بوزان برای امنیت دو وجه عینی و ذهنی بیان کرده است. «امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مذکور مورد حمله قرار گیرد». برخی امنیت را نه تعریف‌کردنی، بلکه ادراکی و احساسی می‌دانند (فاتحی، ۱۳۹۱: صص ۲-۳).

فرهنگ: اگرچه بعضی از صاحب‌نظران بر تعریفی که تایلر از فرهنگ ارائه داده است انتقادهایی داشته‌اند، گفته می‌شود کامل‌ترین تعریفی که تاکنون از فرهنگ مطرح شده از اوست. به نظر او فرهنگ مجموعه آمیخته و پیچیده و نظام‌یافته‌ای است از دانستی‌ها و شناسایی‌ها، هنرها و باورها و آیین‌ها، حقوق و آداب و رسوم، منشأ خوبی‌ها و بسیاری از چیزهایی که انسان از جامعه خویش کسب کرده است. اما در کلام آیت‌الله خامنه‌ای مطالب متعدد و متنوعی در حوزه تعاریف، عناصر و شاخص‌ها و همچنین، ویژگی‌های فرهنگی بیان شده است. ایشان درباره تعاریف کامل و بومی از فرهنگ، مواردی به شرح زیر ارائه فرموده‌اند: «فرهنگ اساس کار ماست؛ در واقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک فرهنگ مانند روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری و ادار می‌کند؛ بنابراین، نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع، کالبد بزرگ انسانی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۸۰/۰۴/۶۰).

امنیت فرهنگی: امنیت فرهنگی به معنی قابلیت و توانایی حکومت‌ها در حفظ و دفاع از ارزش‌ها، ایده‌ها، هویت و به‌طور کلی فرهنگ خاص جامعه است؛ به نحوی که این شاکله تشکیل‌دهنده ساختار فرهنگی ملی یک کشور در داخل سیستم دولت-ملت و متمایزکننده ملت یک کشور از کشورهای دیگر است. تأثیری که جهانی شدن بر این بُعد از امنیت ملی گذاشته است مربوط به افزایش نیروهای نفوذکننده متقابل به‌ویژه افزایش مهاجرت، پناهندگی، جریان یافتن ارتباطات فردی، قومی و گروهی می‌شود؛ به‌علاوه، انقلاب اطلاعاتی و گسترش ارتباطات بین‌المللی موجب تعارض میان فرهنگ ملی و روند یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی فرهنگی در سطح جهان شده است. به این ترتیب، انقلاب اطلاعاتی گسترش ارتباطات جهانی به یکی از عناصر تعیین‌کننده در زمینه امنیت فرهنگی تبدیل شده است (یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۳).

مبانی نظری

امنیت در فرهنگ قرآنی مفهومی وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، داخلی و خارجی است و بر الگویی از امنیت تأکید می‌کند که با اقتدار، انسجام، وحدت، ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بُعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می‌داند و هرگونه دغدغه و نگرانی و ناامنی در یک بُعد را در ابعاد دیگر مؤثر می‌شمرد و هر قوت و قدرتی را در یک حوزه منشأ قدرت و اقتدار در حوزه‌های دیگر می‌داند. قرآن کریم یکی از نعمت‌های بزرگ الهی را امنیت فرهنگی، غذایی، اقتصادی و امنیت در برابر تهدیدهای خارجی و توطئه‌های گوناگون داخلی و خارجی می‌داند و در راستای تحقق این اصول، بر ایجاد اطمینان و آرامش عمومی و عبادت و معنویت تأکید می‌کند تا قدرشناس و شاکر الطاف خداوند باشند و به عبادت و تحصیل کمال بپردازند. امنیت وسیله و زمینه‌ای برای اهداف متعالی انسانی و وصول به درجات قرب و کمال و استفاده مطلوب از فرصت‌هاست. در ادامه به چند نمونه قرآنی اشاره می‌کنیم. خداوند در سوره قریش می‌فرماید: «لِإِيْلَافٍ قُرَيْشٍ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۱-۴). تشکر کيفر فيل سواران برای این بود که قریش به سرزمین مقدس مکه الفت بگیرند تا زمینه ظهور پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) فراهم شود و آنان در سفرهای زمستانه و تابستانه گرد هم آیند و به خاطر این الفت به سرزمین مکه بازگردند. پس به شکرانه این نعمت بزرگ باید خداوند متعال را بپرستند که آنان را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن کرد.

از این بیان نورانی قرآن به خوبی مشخص می‌شود که مفهوم امنیت برابند و محصول عوامل گوناگون و اوضاع مختلف اجتماعی و نتیجه رابطه متقابل این عوامل است و این نظیر مفهوم توسعه است. نتیجه توسعه همه‌جانبه و متوازن و پایدار به طور طبیعی امنیت خواهد بود که در تحقق آن عوامل گوناگون نقش دارد و هدف نهایی از آن ایجاد زمینه برای قرب به خدا و بندگی حضرت حق است. باید از طریق این نعمت الهی و تأمین معاش و آبادکردن بلاد و برقراری امنیت برای عباد، راه را برای عبودیت هموار کرد و بر عزت بندگی و ربوبیت خداوند تأکید کرد. درحقیقت هر یک از این اهداف طولی مقدمه دیگری است و هدف عالی قرب الی الله و عشق به حق است و این اصل ارزشمند حفظ اسلام و ارزش‌های اسلامی و پاسداری از نظام اسلامی و ایمان و تقواست که روح همه تعالیم اسلامی و رمز موفقیت جامعه اسلامی و عنصر تأثیرگذار و غایی برای برقراری امنیت است.

از آنجا که قرآن کریم شرایط جامعه ایدئال اسلامی و آینده تاریخ بشر را بیان می‌کند، بر این اصول تأکید دارد و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های جامعه پیشرفته و متعالی و در حال پویایی و ارتقای مادی و معنوی اسلامی را چنین ارائه می‌دهد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵). اینکه بعد از ترس و خوف امنیت حاصل شود و مؤمنان در امن و آرامش باشند و بیم و ترس به امن بدل شود و حاکمیت شرک به حاکمیت ایمان و توحید، و اضطراب و پریشانی مؤمنان به استقرار آیین خدا و حاکمیت اولیای الهی مبدل شود، جزء وعده‌های الهی و قرآنی و آرمان‌های امت اسلامی و از اهداف مقدس بعثت نبی اکرم و امت است.

در آیات دیگر نیز بحث قریه «مطمئننه» و «آمنه» یا آمادگی برای مقابله با دشمنان و استکبار و جهاد در راه خدا و عدم ترس از ملامت‌گران آمده است: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده: ۵۴). قرآن به عدم تولای کفار و نترسیدن از حوادثی که توسط دشمنان طراحی می‌شود، هشیاری در برابر بیماردلان و منافقان و خطرها و وسوسه‌های آنان و احیاناً ارتباط آشکار و پنهان یادی و نفوذی‌های دشمنان در جامعه اسلامی و خطر آن‌ها برای امنیت، اقتدار، عزت و سربلندی جامعه اسلامی و تهدید کسانی که دست دوستی و رابطه به آنان بدهند و از دین خدا منحرف شوند و پشت به دوستان و رو به دشمنان کنند، تذکر داده و هشدار می‌دهد و امت اسلامی را از این رابطه‌ها و دوستی و ارتباط فریبده که موجب سلطه کفار و منافقان می‌شود بر حذر می‌دارد. ملاحظه چنین آیاتی نکات بسیار ظریفی را در زمینه امنیت ملی و پیوند عوامل نفاق و استکبار بیان می‌کند و به خطر این ارتباط‌های ناسالم و بیمارگونه و تخریبی هشدار می‌دهد و ولایت و ایمان را تنها رمز و راز و ستون فقرات و محور حیات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی امت اسلامی می‌داند و یادآور می‌شود که در راه عزت و اعتلای جامعه اسلامی نباید از تبلیغات دشمنان و فتنه‌گری و سرزنش ملامت‌گران و جوسازی معاندان هراسید و تسلیم فشار و هوچی‌گری و تهدیدهای آنان شد؛ مؤمنان هراسی به خود راه نمی‌دهند و اسیر جو نمی‌شوند. توجه به آیات ۴۸ تا ۵۷ سوره مائده بسیار آموزنده است (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۰: ص ۴).

امنیت، زوایای زندگی فردی و اجتماعی و سطوح روانی و فرهنگی و اخلاقی تارفتارهای اجتماعی را شامل می‌شود و در حوزه‌های فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. در فرهنگ اسلامی به ابعاد آن توجه شده و واژه‌های رهب، رهبت، ارهاب (ترس توأم با دلهره و اضطراب و احتیاط) به کار

رفته است و این بدان معناست که دشمن همواره از اقتدار، هشیاری، تسلط و ابتکار عمل مسلمانان واهمه دارد و جانب احتیاط را در برخورد با آنان در پیش می‌گیرد. این موضوع به ثبات، پایداری و همسویی عوامل و عناصر تعیین‌کننده وحدت، اقتدار و امنیت در جامعه اسلامی مربوط می‌شود و هرچه بر انسجام، اعتماد و اعتصام به حبل‌الله افزوده شود، بر اقتدار امت اسلامی در برابر بیگانگان افزوده خواهد شد. امنیت ملی برآیند امنیت داخلی و اقتدار اجتماعی و فرهنگی است و نتیجه پویایی، تحول، سامان، ارتباط دولت و مردم و تحکیم پیوندهای درونی امت موحد است و درحقیقت استفاده مطلوب و بهینه از فرصت‌ها، جهت کاهش خطرها و تهدیدها و تمهیدی برای کاهش تشنج و مقابله با تهدیدهای اجانب و توطئه‌های دشمنان و فتنه‌گری منافقان است. واژه حذر و فرمان در قرآن که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ» (نساء: ۷۱)، به آمادگی، احتیاط، هشیاری، به‌دست گرفتن سلاح و کوچ در راه خدا دستور می‌دهد و آیه ۸۳ سوره نساء نیز با بیان حفظ اسرار و اطلاعات و ارجاع مسائل حساس به والی و مراجع ذی‌ربط و دارای قدرت استنباط، به بخشی دیگر از این امور مهم می‌پردازد. این موضوع‌ها به بحث حکومت، ولایت، اطلاعات و امنیت و حفظ آن و ارجاع مسائل به فقیه صاحب‌نظر و امام یا رسول، پرهیز از شایعه‌پراکنی، عدم تأثیرپذیری از شیاطین، جمع‌بندی مسائل و تحلیل صحیح قضایا توأم با درک و بینش عمیق اسلامی و سیاسی و فهم دقیق از حوادث و جریان‌ها به عهده حاکم اسلامی است و همه باید اطلاعات را به کانون اصلی بدهند و براساس تصمیم‌های اولی‌الامر اقدام کنند (اسلامی، ۱۳۸۶: ص ۲).

مباحث مربوط به جهاد، دفاع، مقابله با یاغیان و خوارج و محاربان و مفسدان و دزدان مسلح و توطئه‌گران، جنایتکاران، اراذل و اوباش و متجاوزان به حقوق دیگران مانند قصاص، حدود، تعزیرات، قضاوت و احقاق حقوق مردم و خدا و مواردی مانند امر به معروف و نهی از منکر، حقوق اهل ذمه و امان‌دادن به آنان، حقوق شهروندی، آزادی مخالفان و حدود آن، مقابله با دشمنان و جاسوسان، برقراری نظم، جلوگیری از هرج‌ومرج و شرارت و ناامنی و قراردادهایی مانند صلح، پیمان، عدم تعرض، ترک منخاصمه و دستورهای اسلام در زمینه ایجاد قدرت و زمینه‌سازی برای اقتدار و ایجاد قدرت ارهابی در برابر تهدیدهای بیگانه و عدم تولای بیگانگان مسائلی هستند که در چهارچوب امنیت ملی و جهان اسلام قابل تعریف و تفسیرند.

در اسلام قوانین و مقررات عمومی در روابط عادلانه و خداپسندانه والی و مردم و حقوق متقابل حاکم و جامعه، تنظیم روابط سازنده، رهبری عادل، پرورش روحیه آزادی‌خواهی و کرامت، مبارزه با ظلم و طاغوت و استبداد و استثمار و استکبار، حمایت از مظلومان و مستضعفان و مسئولیت

اجتماعی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، همیاری، تقوا و عدم تعاون بر اثم و عدوان و توأسی به حق و صبر و مشاوری در کارها و اصولی مانند نصیحت پیشوایان دینی، انتقاد سازنده و توأصل در کارها، پرهیز از تدابیر و فتنه‌گری و نیز دفاع فردی و اجتماعی، عدم پذیرش ولایت ستمگران و دشمنان و تولی و تبری برای رضای خدا و مسئولیت امت برای پاسداری از کیان اسلامی و عدم اجازه نفوذ بیگانگان و ده‌ها اصل راهگشای دیگر، مفاهیمی در زمینه روابط سیاسی و امنیتی، وحدت امت، تقویت بنیادهای حکومت الهی و حفظ عزت و استقلال و اقتدار جامعه آمده است که هر یک از آن‌ها امروز از پربرترین و کارآمدترین اصول در زمینه حفظ حقوق جامعه و امنیت فرهنگی و حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی جزء آن پیش‌بینی شده است. در قرآن، آنجا که بحث از عزت مؤمنان می‌شود، اساس بر اقتدار و توانایی و نیرومندی براساس حکمت و میزان است. در ادامه خواهیم گفت که این عزت و اقتدار ساختگی و زودگذر نیست و بر مبنای زور و ترس بنا نشده است، بلکه ریشه‌دار است و برابندی از امکانات درونی و بیرونی، هدایت‌شده، با صلابت و استواری امت اسلامی است و این مضمون آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال: ۶۰) و بدین معناست که برای مقابله با دشمن هر چه از نیرو و از اسب‌های آماده در توان دارید بسیج کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز دشمنان دیگر را که نمی‌شناسید، ولی خداوند می‌شناسد، با آمادگی خود بترسانید و قدرت پیشگیری و ارهاب دشمن را داشته باشید تا دشمن حساب خویش را بکند و از فکر نفوذ و سلطه و توطئه و تهدید برحذر باشد.

واضح است که این مفهوم عمیق و فراگیر برای کلیه نسل‌ها و در همه زمان‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی قابل تطبیق است و دستوری راهبردی و استراتژیک برای تاریخ و امت اسلامی به‌شمار می‌رود و چراغ راهی است تا جامعه هشیار و بهره‌مند از اقتدار باشد و در هر وضعی اسباب و ادوات لازم را برای مقابله و پیشرفت و عزت فراهم کند و این رسالت بزرگ و مسئولیت خطیر را با توجه به نیازها و ضرورت‌های زمان تدارک ببیند و خود را به پیشرفته‌ترین سلاح و کارآمدترین ابزار مجهز کند و از قدرت علمی، رزمی و امنیتی و شاخصه‌های اقتدار و بنیه‌های فکری، علمی، فنی، ایمان، اراده، انگیزه، ساماندهی، برنامه‌ریزی و فرماندهی بهره‌مند باشد و تفوق لازم را در برابر دشمنان شناخته‌شده و ناشناخته داشته باشد و این درسی بزرگ و آموزنده است (پایگاه اطلاع‌رسانی و سائل، ۱۳۹۶: ص ۳).

خداوند در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا

وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۳۳): «کیفر و مجازات آنان که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین (با سلاح و تهدید و غارت) فساد می‌کنند آن است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان برخلاف یکدیگر قطع شود یا آنکه از سرزمین (خود) تبعید شوند. این کیفر ذلت‌بار دنیوی آنان است و برای آن‌ها در آخرت عذابی عظیم خواهد بود». این آیه به آیه محاربه و فساد در زمین معروف است و هدف از آن برقراری امنیت، مبارزه با تجاوز و شرارت و جنایت افراد یا باندهای مسلحی است که مردم را می‌ترسانند و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند.

در آیه‌های دیگر به موضوع امن و امان و امنیت و حرم امن توجه شده است. از دیدگاه قرآن، ریشه و اساس امنیت فردی و فرهنگی را باید در ایمان و باورهای عمیق دینی و تقویت بنیادهای معنوی جامعه جست‌وجو کرد و باید به سراغ امنیت روحی، فکری، فرهنگی و آرامش و اطمینان باطنی رفت و اساس آن را در یاد خدا و عشق به کمال پی گرفت که «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». با توجه به مباحث بالا به نظر می‌رسد منظور از امنیت فرهنگی در امان بودن فرهنگ‌ها از هرگونه تهدید، تحدید و تأویل‌گرایی در یک کشور مفروض است. البته باید توجه داشت که امنیت در هیچ یک از وضعیت‌های بالا بدیلی برای امنیت ملی نیست، بلکه هر یک از موقعیت‌ها به‌منزله جایگاهی پراهمیت برای تحلیل امنیت و نیز روشی اثربخش و کارآمد در فهم دقیق‌تر از مفهوم پیچیده و مبهم امنیت در اندیشه و عمل به‌شمار می‌روند (براتلو، ۱۳۹۱: ص ۳).

امنیت فرهنگی از منظر امام خامنه‌ای

براساس تجربیات و رویه‌های ملی کشورداری در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و با اتکا به کنش‌های گفتاری امام خمینی و مقام معظم رهبری، می‌توان مدعی بود امنیت در جمهوری اسلامی ایران پدیده‌ای یکپارچه و غیرقابل تقلیل به ابعاد آن تصور می‌شود؛ در واقع، شرایط امن، در این نگاه، وضعیتی است که در آن تمامی ابعاد امنیت مصون از تهدید و رو به کمال و پیشرفت باشند و در این حال، به‌رغم یکپارچه‌نگری به امنیت، رهبران جمهوری اسلامی ایران وضعیت امن را وضعیت فرهنگ پایه می‌دانند. این بدان معنی است که حرکت به‌سوی جامعه امن باید از مبدأ فرهنگ آغاز شود در این رویکرد، امنیت فرهنگی و اجتماعی بنیان‌تکوین و تداوم امنیت در مفهوم یکپارچه آن به‌شمار می‌آید. در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی، فرهنگ به‌مثابه هوایی است که جامعه از آن تنفس می‌کند. بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است (میرمحمدی، ۱۳۹۴: صص ۱۵-۱۶). مقام معظم رهبری فرهنگ را

بستر اصلی زندگی و حرکت در نظام جمهوری اسلامی و مهم‌ترین تهدید و خطر علیه جمهوری اسلامی ایران را تهاجم فرهنگی دشمن به باورها و هویت اسلامی-ایرانی مردم می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۹۴/۷/۲۰)؛ بدین ترتیب، می‌توان گفت ادراک از امنیت در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر برداشتی معناگرایانه است.

طبق این برداشت، متغیرهای معنایی مانند هویت، مذهب، سبک زندگی، جهان‌بینی، حافظه تاریخی و به‌طور کلی، فرهنگ پایه امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید. با توجه به فرهنگ پایه و مردمی بودن برداشت از امنیت در جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین راهبرد تأمین امنیت نیز تقویت و توسعه گفتمان انقلاب و استفاده از ابزارهای گفتمانی است. مقام معظم رهبری به صراحت بر آن است که راه مقابله با نفوذ دشمن مجهز شدن به منطق مستحکم انقلاب از طریق افزایش اقناعی، منطقی و بیانی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۹۴/۶/۲۵). در عین حال، جایگاه امنیت فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌مثابه شکلی از حکومت اسلامی، بسیار فراتر از کارکرد آن در حفظ نظام است و به‌عنوان یکی از اهداف حکومت اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ در واقع، هدف اصلی نظام سیاسی اسلامی رشد و تعالی انسان در مسیر کمال است. این هدف نیز جز از طریق حاکمیت گفتمان الهی بر تفکر، رفتار، گفتار و نوشتار جامعه حاصل نمی‌شود و سایر اهداف نظام سیاسی اسلام شامل قسط و عدل، برقراری نظم و تأمین رفاه عمومی، حفظ فرهنگ اسلامی، انسان‌شناسی و شناخت تهدیدها برای تحقق این هدف لازم است.

عوامل تقویت‌کننده امنیت فرهنگی

تعلیم و تربیت: تعلیم و تربیت از سیاست‌های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی بعثت رسول خدا (صلی‌الله و علیه و آله و سلم) است. پیامبر اسلام (صلی‌الله و علیه و آله و سلم) تربیت را از خویش و خویشاوندانش آغاز کرد و از اولین روزهای هجرت نیز به آموزش و تعلیم همت گمارد. این امر خود نشانگر اهمیت آن دو مقوله دینی و قرآنی است. انسان با تفکر قوای درونی شکوفا می‌شود و زمینه حرکت کمالی او فراهم می‌شود؛ از این رو، به همراه علم‌آموزی و تفکر، تربیت یا پرورش اخلاقی و تهذیب نفس نیز مطرح می‌شود که در اسلام بر این امر بسیار تأکید شده و از همان ظهور اسلام مبادی و مبانی تعلیم و تربیت به‌عنوان یک علم بنا نهاده شده است. اسلام برای تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل است؛ چنان‌که هر جا سخن از ارسال رسولان به میان می‌آورد، تعلیم و تربیت و ترکیه را برنامه اصلی آنان قرار می‌دهد. خداوند متعال برای انسان مقرر فرموده

است که به اختیار خود و با پیروی از دستورهای پیامبران و برنامه‌های آسمانی و با کوشش و تلاش پیگیر، تعلیم و تربیت کسب کند و به مقام شایسته انسانی برسد. در همین راستا، یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت از دیدگاه معظم‌له، تربیت بُعد عقلانی و اخلاقی انسان برای مقابله با انواع تهاجم امنیتی بوده است.

ایشان در این باره می‌فرمایند: «این بعثت در واقع دعوت مردم به عرصه تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی و تربیت قانونی بود. این‌ها چیزهایی است که زندگی آسوده و روبرو تکامل انسان به آن‌ها نیازمند است. امروز ما به این تربیت اخلاقی بسیار نیاز داریم؛ هم ما، مردم ایران و جامعه اسلامی در این محدوده جغرافیایی، و هم همه دنیای اسلام، امت بزرگ اسلامی و جوامع مسلمان؛ این‌ها، به همراه حفظ هویت خود، نیازهای اول ماست. به دنبال آن تربیت قانونی است، انضباط قانونی... این‌ها همه درس است. نه اینکه ما بخواهیم آن عظمت را با حقارت‌های خودمان مقایسه کنیم، آنجا قله است، ما در دامنه‌ها حرکت می‌کنیم، اما به سمت قله حرکت می‌کنیم؛ شاخص آنجاست، معیار آنجاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۸۸/۰۴/۲۹). به دنبال تربیت اخلاقی و عقلانی، تربیت قرآنی و انضباط قرآنی است؛ بنابراین، مقام معظم رهبری تربیت قرآنی را یکی از ثمره‌های انقلاب اسلامی تلقی می‌کند: «آنچه در دوره بعد از تشکیل نظام اسلامی، از ابعاد وجودی امام مشاهده شد، به نظر من به مراتب از آنچه قبلاً دیده شده بود مهم‌تر و عظیم‌تر بود... این‌ها حقایقی است که ملت ایران در طول سال‌های متمادی آن‌ها را لمس کرده‌اند؛ ما هم که از نزدیک شاهدش بودیم و دیدیم. تربیت اسلامی و قرآنی این است. امام همه را به چنین چیزی دعوت می‌کرد؛ نظام اسلامی را برای تربیت انسان‌هایی از این قبیل می‌خواست و می‌پسندید؛ همان‌طور که خود او مظهر اعلای آن بود. در چهره یک حاکم و زمامدار و رهبر، امام بزرگوار مردی هوشیار، باشهامت، باتدبیر، با ابتکار و دریادل بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۷۸/۰۳/۱۴).

استقلال فرهنگی: فرهنگ اهل بیت فرهنگ استقلال است و استقلال درختی است که در سرزمین «توحید» می‌روید و با آب قرآن و حدیث رشد می‌کند و با تبری ابراهیمی و توکل و ایثار عاشورایی سیدالشهدا (علیه‌السلام) پاسداری می‌شود. شجاعت برخوردار با استکبار جهانی تنها در سایه سار توکل و اعتماد به خدا پدید می‌آید. شعار «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» زیربنای فکری استقلال ملت‌هاست و همین شعار می‌تواند اعتماد به نفس را در انسان‌های محروم پدید آورد و آنان را در برابر تهدید و تطمیع استکبار عالم و بانکداران جهانی بیمه کند. افراد «ضعیف‌النفس» و انفعال‌پذیر تنها به برکت نیروی «ایمان» و «توکل» از بیماری‌های ترس و طمع و تملق و غرور شفا می‌یابند و این‌گونه

اشخاص تا سلامت فکری و روحی خود را باز نیافته‌اند، نباید در رأس امور مسلمانان و طرف مذاکره و سخنگوی نظام اسلامی باشند. تشبیه به کفار، بزرگداشت کفار، گدایی و کمک بلاعوض خواستن از کفار، پذیرش داوری و قضاوت کفار در عرصه‌های گوناگون زندگی، دوستی و مودت کفار، معاشرت و هماهنگی با کفار، استخدام مشاوران کافر و هرگونه سلطه سیاسی کفار بر مسلمانان در فرهنگ اهل بیت (علیه السلام) محکوم و خطرآفرین است. اما بزرگ‌ترین خطر آن است که معیارها، ملاک‌ها، ارزش‌ها و ضدارزش‌های کفر جهانی بر ذهن و عقل و چشم مسلمانان و به‌ویژه مسئولان جوامع اسلامی حاکم شود و خدای ناکرده، عقل مسلمان و شیعه امام علی (علیه السلام) به افکار غیر زنجیر شده باشد و مسلمان از «چشم کفر» به جهان نگاه کند؛ بنابراین، با توجه به نگاه اسلامی، ظهور و سقوط دولت‌ها و ملت‌ها ریشه در فرهنگ آن‌ها دارد.

تأثیر فرهنگ بر جامعه نامحسوس، عمیق و درازمدت است. اگر بنا باشد برای بنیادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی جامعه زیربنایی قائل شویم، همانا این زیربنا فرهنگ است. اگر قرار باشد مسائل و مشکلات جامعه را اولویت‌بندی کنیم، فرهنگ اولویت اول را دارد. «باید مسئله فرهنگ را، با کلیتش، مسئله اول این کشور به حساب آورد. اگر ما توانستیم فرهنگ و نهادهای صحیحی که کارایی لازم را دارد بهبود ببخشیم، این کشور را با پایه‌های مستحکم و قوی تحکیم، پشتیبانی و تقویت می‌کنیم و کار این کشور روی غلتک خواهد افتاد و پیشروی این کشور در همه زمینه‌های موردنظر تضمین خواهد شد. چنانچه ما فرهنگ را اصلاح و دنبال نکنیم، به احتمال زیاد برنامه‌ریزی‌هایمان ابر خواهد بود؛ یعنی مدتی تلاش می‌کنیم، زحمت می‌کشیم، اما نمی‌توانیم به نتایج قطعی آن امیدوار باشیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۰).

ایشان تأکید ویژه‌ای بر استقلال فرهنگی دارند و معتقدند تنها راه استقلال و عدم وابستگی کامل یک کشور و ملت استقلال فرهنگی آن است و اگر کشوری در همه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی به بی‌نیازی برسد، اما در حوزه فرهنگ و ارزش‌ها و باورها دنباله‌رو جوامع دیگر باشد، بدون شک با شکست روبه‌رو خواهد شد. آیت‌الله خامنه‌ای استقلال فرهنگی را مترادف با ارزش ملی تعبیر می‌کنند که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است. «شما باید ارزش‌های دینی و ملی را تقویت کنید. وقتی می‌گوییم ارزش ملی، ذهن نباید فوراً به سمت چهارشنبه‌سوری برود؛ ارزش ملی یعنی احساس استقلال یک ملت؛ استقلال فرهنگی. در مقابل این القای دوپست‌ساله فرهنگی غرب، یک ملتی بیاید به فرهنگ خودش تکیه بکند، این خیلی ارزش دارد؛ این را تقویت کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۸۵/۰۳/۲۳).

سبک زندگی اسلامی: از دیدگاه مقام معظم رهبری، سبک زندگی تأثیر بسزایی در آرامش، آسایش و اطمینان و امنیت فرهنگی انسان‌ها در زندگی اجتماعی دارد. سبک زندگی گستره وسیعی از ابعاد مادی و معنوی حیات انسان را تشکیل می‌دهد و از مواردی مانند ذوقیات، سلايق و علايق گرفته تا نحوه پوشش، مناسک و عبادات را شامل می‌شود. ایشان عقلانیت و خردورزی و اخلاق و رعایت حقوق و معنویت را محورهای اساسی سبک زندگی اسلامی قلمداد می‌کنند (ترابی، ۱۳۹۲: ص ۱۵) و درباره این موضوع می‌فرمایند: «پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست - که بعد از ایزاری تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند - وسیله‌ای برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی در رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی است... اسلام خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه‌های اصلی فرهنگ صحیح می‌دانند... و پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است، اما باطن آن یک سبک زندگی مادی، شهوت‌آلود و گناه‌آفرین و هویت‌زدای ضد معنویت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

استفاده از هنر: هنر از تجلیات اعلاي روح انسانی است و در مجموع باید هنر را یک مسیر و روش شناخت و ادراک در نظر گرفت که با غایات و اهداف الهی و انسانی گره خورده است. بدین معنا که بهترین روش برای نشان دادن مسیر تکامل، تعالی، سعادت و رشد مثبت انسانی، هنر است. با توجه به جایگاه والای هنر و با عنایت به رابطه گسترده و عمیق آن با سایر مقوله‌ها، پرداختن به این مقوله ضرورتی آشکار می‌یابد. همان‌گونه که یکی از شروط مهم پایایی و ماندگاری هر پیام، جای‌گرفتن در قالب‌های هنری است، برای انتقال مفاهیم متعالی و غنی اسلامی نیز گریزی از استفاده از ابزار هنر نیست. بر این اساس، انقلاب اسلامی نیز - که بر پایه تعالیم و حیانی و سنت حضرات معصوم (علیه‌السلام) با شعار وحدت دیانت و سیاست و با ادعای جامعیت در تمام زمینه‌های فردی و جمعی و به قصد صدور اندیشه‌های خود ایجاد شد - سخت نیازمند ابزار هنر است. عمق این نیاز آنگاه روشن‌تر می‌شود که جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی در برابر ایدئولوژی‌هایی که علی‌رغم کثرت خود در مبنای اومانستی‌شان مشترک‌اند، درک شود و در راه انتقال اندیشه‌های والای انقلاب به نسل‌های آینده و همچنین، صدور آن‌ها به دیگر حوزه‌های جغرافیایی و معرفتی، هنر یکی از بهترین ابزارهاست. زیرا فارغ از اختلاف‌های زبانی، هنر زبان مشترک تمامی انسان‌هاست. با در نظر گرفتن این نکته که اندیشه‌های رهبران انقلاب‌ها، به‌طور اجتناب‌ناپذیری در جهت‌گیری‌های مختلف آن‌ها تأثیر بسزایی دارد، به‌زعم ما درباره انقلاب اسلامی عنصر بی‌بدیل دیگری نیز دخالت دارد و آن ولایت فقیه است. سطح گسترده مطالعات

رهبری و صاحب‌نظر بودن ایشان در عرصه هنر و ادبیات ایران و جهان عنصر مهم دیگری است که ضرورت ذکر نکاتی در آثار ایشان را، به‌منظور یافتن جایگاه هنر و تبیین خط‌مشی‌های ارائه‌شده توسط شخصیتی با چنین جایگاه حقیقی و حقوقی، امری ضروری می‌نماید.

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، استفاده از مسائل هنری و به‌ویژه هنرهای اسلامی و مذهبی بسیار تأکید شده است. با ظرفیتی که جامعه اسلامی ایران دارد، می‌توان از این هنرها به‌عنوان عاملی برای ایجاد ارتباط و وحدت در میان جوامع اسلامی بهره گرفت. ایشان می‌فرمایند: «اگر قدرت نرم بر هنر سوار شود و بر فرهنگ غنی و بالنده تکیه داشته باشد و با قالبی مناسب به میدان آورده شود، رسوخ آن در دل‌ها بیشتر می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳/۰۶/۱۳۸۸). در جای دیگری بیان می‌کنند: «استفاده از هنر، بالأخص هنر سینما، از شیوه‌های رایج قدرت نرم است. امروز استکبار به این اکتفا نمی‌کند که شمشیر نشان بدهد، شمشیر هم نشان می‌دهد، اما در کنار آن به ده‌ها شیوه دیگر متصل می‌شود». به نظر مقام معظم در بحث هنر، باید قالب‌های خوب هنری را برای کارهای فرهنگی در نظر بگیریم: «بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را تمام‌عیار توی میدان بیاورید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۲۵/۰۲/۱۳۸۶).

عوامل تهدیدکننده امنیت فرهنگی

وابستگی فکری: هنر و وابستگی به بیگانگان ناپسند است؛ چراکه از یک‌سو، می‌تواند در روز نیاز به‌عنوان اهرم فشاری از طرف آن‌ها استفاده شود و از سوی دیگر، می‌تواند در ابعاد دیگر نیز گسترش یابد و عملاً یک کشور را در معنای مطلق، وابسته و حیات آن را تباه کند؛ در عین حال، وابستگی ابعادی دارد و سخت‌ترین و تقریباً لاعلاج‌ترین آن وابستگی فکری فرهنگی است. علاج وابستگی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، تکنولوژیکی و حتی امنیتی وابسته به تصمیم مردم و مدیران در یک کشور است و حتی در بیشتر موارد، تصمیم یکی کفایت می‌کند. مدیران می‌توانند با تصمیمی قاطع حتی وابستگی امنیتی به اجانب را قطع کنند و یک ملت می‌تواند با انقلاب از این وابستگی‌ها به اجانب خلاص شود. اما حکایت وابستگی فکری فرهنگی حکایت دیگری است. بیره نیست اگر بگوییم وابستگی فکری فرهنگی وابستگی‌های دیگر را، که به‌واسطه تصمیمی مدیریتی یا حتی یک انقلاب از سر یک ملت رفع شده است، برمی‌گرداند. در همین راستا امام خمینی (رحمة‌الله علیه) درباره این نوع وابستگی هشدار داده و خاطرنشان کرده بودند: «تا این وابستگی فکری در ما هست و همه نظرها به این است که همه چیزمان را از غرب باید بیاوریم

و هر وقت هم که هر عیبی پیدا می‌کنیم غرب باید این را معالجه بکند - تا این وابستگی هست - ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم. به هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، إلا اینکه ما خودمان را بشناسیم که ما خودمان هم فرهنگ داریم، هم همه چیز داریم و در این امور احتیاج به غرب نداریم و آئی که آن‌ها به ما می‌دهند آن نیست که واقعیت رشدآوری باشد؛ آن است که می‌خواهند ما را در یک حدی نگه دارند» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۴۳؛ ج ۵، ص ۵۴). مقام معظم رهبری در راستای حفظ هویت فرهنگی و فکری نظام اسلامی تلاش کرده است که مضرات وابستگی فرهنگی را در بیانات و رهنمودهای مختلفی بیان کند: «من یک وقت در جمع دانشجویی دیگری گفتم هیچ ننگمان نمی‌کند که علم را از غربی‌ها و اروپایی‌ها یاد بگیریم، اما ننگمان می‌کند که همیشه شاگرد بمانیم. شاگردی می‌کنیم تا استعداد خود را پرورش دهیم و از درون بجوشیم... عزیزان من! روی مسائل فکر کنید تا به نتیجه برسید. نهضت آزاد فکری که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است. تربیون‌های آزاد بگذارند و با هم بحث کنند؛ منتها نه متعصبانه و لجوجانه و تحریک‌شده به وسیله جریان‌های سیاسی و احزاب سیاسی که فقط به فکر آینده کوتاه‌مدت و مقاصد خودشان هستند و برای انتخابات و امثال آن از جوان‌ها استفاده می‌کنند، بلکه برای پخته‌شدن، ورز خوردن و ورزیده‌شدن در جلوگیری از وابستگی فکری و با هدف آماده‌شدن برای ادامه این راه طولانی و دشوار، اما بسیار خوش عاقبت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۸۴/۰۲/۱۹).

بحران هویت: زندگی اجتماعی بدون هویت و شناسه غیرممکن و بی‌معنی است؛ چراکه در صورت فقدان هویت، فرد نمی‌تواند ارتباط و تعامل صحیح را با محیط پیرامون خود برقرار کند و حفظ اتحاد و یکپارچگی جامعه سخت‌تر می‌شود و امکان فروپاشی آن افزایش می‌یابد. در حوزه امنیت فرهنگی، مقوله هویت و چیستی فرهنگ ملی برجسته می‌شود. امنیت فرهنگی و اجتماعی به مواردی همچون قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. مفهوم هویت نقطه عزیمت، پایگاه و منشأ انسجام اجتماعی و حفظ نظم در سطح کلان و لنگرگاه ثبات اجتماعی تلقی می‌شود. هویت عامل انسجام‌بخش است و خصلت تنظیم‌کنندگی را به آحاد مردمان جامعه اعطا می‌کند؛ بنابراین، تزلزل و کمرنگ‌شدن آن پایه‌های همبستگی و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کند و این مسئله امنیت ملی را با چالش مواجه می‌کند.

در بحران هویت، فرهنگ و ارزش‌های بومی جامعه تخریب می‌شود و نوعی از خودبیگانگی فرهنگی ایجاد می‌شود. به‌طور کلی، کشوری که دچار بحران هویت باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند راه

سعادت، کمال و تعالی خود را طی کند؛ چراکه قومیت‌های مختلف درون جامعه، هرکدام خود را تافتهٔ جدابافته‌ای از کل احساس می‌کنند و به هویت جامعی که کل کشور و قلمروهای سرزمینی آن را در برمی‌گیرد، باور ندارند؛ بنابراین، چنین کشوری دائماً درگیر مسائل داخلی خود می‌ماند و انرژی و سرمایه‌های مادی و معنوی آن در مسیر رشد، شکوفایی و بالندگی هزینه نخواهد شد. دورشدن مردم یک جامعه از هویت ملی می‌تواند عاملی برای ایجاد زمینه‌های براندازی نرم باشد (داوودی و ملکی، ۱۳۹۳: صص ۲۳-۲۲)؛ «بعضی‌ها اشکال کارشان این است که اصل تهاجم را اصلاً نمی‌بینند، درک نمی‌کنند؛ اینکه جبهه‌ای وجود دارد که سوگندخوردهٔ ریشه‌کن کردن هویت ملی و اسلامی و فرهنگی ملت ماست را اصلاً درک نمی‌کنند؛ این همه علائم، نشانه‌ها و ظواهر وجود دارد، نمی‌فهمند... شاعر به خاطر روح هنر و به خاطر آن نگاه تیزبین، وقتی این دغدغه، این درد، این احساس در او وجود دارد، این تهاجم را طبعاً احساس می‌کند و درصدد مقابله با این تهاجم برمی‌آید که این از جمله کارهای مهم است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۹۳/۴/۲۱).

ایشان در دیدار با دانشجویان به صراحت از نقش هویت ملی برای حفظ هیمنهٔ کشور سخن می‌گویند: «یکی از مهم‌ترین خدمات انقلاب اسلامی احیای عقلانیت صحیح در کشور بود. اینکه شما، جوان دانشجو، می‌آیید مسائل منطقه را تحلیل می‌کنید، با نگاه موشکافانه مسائل را می‌بینید، دشمن را معرفی می‌کنید، حوادث منطقه را تحلیل می‌کنید و می‌ایستید نشان‌دهندهٔ حیات عقلانی یک کشور است؛ این را انقلاب به ما داد...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۹۵/۵/۰۱). ایشان حتی در جمع مردم کازرون به صراحت دوباره بر حفظ هویت اسلامی-ایرانی تأکید می‌کنند: «درحقیقت ملت ایران در دوران انقلاب اسلامی احساس هویت کرد. آنچه دشمنان (دشمنان بنیانی) این ملت همیشه می‌خواستند و دنبال می‌کرده‌اند، این بوده است که از این ملت سلب هویت کنند. وقتی ملتی احساس شخصیت نکرد، احساس هویت نکرد، راحت‌تر زیر بار می‌رود. گذشتهٔ او را انکار می‌کنند، امکانات او را انکار می‌کنند، قدرت‌های درونی و ذاتی او را انکار می‌کنند، برای اینکه بتوانند به راحتی آن ملت و کشور را در مشت بگیرند. این کاری بود که در دوران استحالهٔ فرهنگی، یعنی دوران منحوس پهلوی، در این کشور با شدت ادامه پیدا کرد و روزبه‌روز در آن سال‌ها تقویت شد. ایجاد فرهنگ و اندیشهٔ صحیح در جامعه نیز جهاد است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۸۶/۰۲/۱۶).

تهاجم فرهنگی: تهاجم فرهنگی بزرگ‌ترین خطر انقلاب اسلامی ایران است. هم امام خمینی (رحمة‌الله علیه) و هم مقام معظم رهبری این موضوع را بیان کرده‌اند. حضرت امام (رحمة‌الله

علیه) فرمودند ما آن قدر از تهدید نظامی و محاصره اقتصادی نمی‌ترسیم که از وابستگی فرهنگی می‌ترسیم و همچنین مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، از سال ۱۳۷۲ چندین بار خطر تهاجم فرهنگی را به مسئولان و متولیان فرهنگی کشور گوشزد کرده‌اند. ایشان در ۱۳۷۲ تعبیر ششیخون فرهنگی را در این مورد به کار بردند ولی متأسفانه تا به حال برنامه مدون و مشخصی در خصوص مبارزه با تهاجم فرهنگی صورت نگرفته است. هر انقلابی که بزرگ باشد خطرش هم بزرگ است. انقلاب ما بزرگ‌ترین حادثه قرن بود؛ از این رو، بزرگ‌ترین خطرهای و تهدیدها را از سوی دشمنانش در پی دارد. خیلی‌ها، به خصوص غربی‌ها، انقلاب ایران را نوعی دهن‌کجی به سیاست‌های خودشان می‌دانند. تمام نیرو و عزمشان را جزم کرده‌اند تا به انقلاب اسلامی ایران ضربه بزنند. در این میان، وظیفه ما این است که ارزش‌ها و باورهای دینی خودمان را به نسل‌های سوم و چهارم انقلاب انتقال دهیم و آن‌ها را از خطر تهاجم فرهنگی آگاه کنیم. متولیان فرهنگی ما در حال حاضر در میدان جهاد هستند. نباید غفلت کنند. نباید بودجه فرهنگی کشور را در جاهای دیگر خرج کنند، بلکه باید تاجایی که می‌توانند تمام توان خودشان را بسیج کنند تا جامعه را در مقابل هجوم‌های دشمنان واکسینه کنند و فرهنگ غنی و پرافتخار ایرانی و اسلامی مان را به جامعه، به خصوص نسل جوان، تزریق کنند و صرفاً به برگزاری همایش‌ها و سمینارها اکتفا نکنند. فکر نکنند که با این کارها تکلیفشان را انجام داده‌اند. سمینار و همایش از جنبه تبلیغی برای گزارش دادن خوب است ولی برای تأثیر فرهنگی گذاشتن فایده چندان ندارد. البته خالصی از لطف نماند که بعضی سمینارها و همایش‌های علمی و فرهنگی واقعاً پربار و پرمحتوا هستند». معظم‌له در یکی از بیاناتشان با اشاره به سابقه تهاجم فرهنگی در ایران قبل از انقلاب اسلامی، از اواسط دوره قاجاریه و به‌ویژه دوره رضاخان، می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی که آمد، مثل مستی به سینه مهاجم خورد، او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد. شما در آن دوران اول انقلاب، ناگهان دیدید که مردم ما ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خلیات خودشان احساس کردند... اواسط دوران جنگ، به وسیله ابزارهای تبلیغی، گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه مجدداً شروع شد و ته‌نشین‌ها و رسوب‌های ذهنی و روحی خود ما مردم هم مؤثر بود، اما باز حرارت جنگ مانع بود تا اینکه جنگ تمام شد. پس از جنگ، این جبهه جدید به شکل جدی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را نمی‌شود با تهاجم نظامی از بین برد... با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود؛ فهمیدند باید عقبه ما را بمباران کنند. فرهنگ، اخلاق، ایمان، اعتقاد به دین، رهبری، قرآن و جهاد و شهادت او را باید از بین برد و شروع کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۲۱/۵/۱۳۷۱).

تحمیل فرهنگ، آداب و رسوم و موارث دولت‌های استعمارگر غربی به ملت‌های اسلامی از طریق تبلیغات دروغین و ابزارهای مختلف رسانه‌ای، تحقیر فرهنگ ملت‌های شرقی و مسلمانان و القای فرهنگ اروپایی با اهانت و هوجبی‌گری به سایر ملل از جمله دغدغه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در مبحث تهاجم فرهنگی است: «این عیب اساسی را واقعاً باید پیدا کرد. به نظر می‌آید دلایل همین است که ما مکرر به زبان می‌آوریم، یعنی مسئله تهاجم فرهنگی؛ ما شبیخون‌زده شدیم. یعنی از غفلت ما و غفلت سردمداران و فرمانروایان این کشور استفاده شد و عده‌ای با یک فرهنگ تازه و با نیروی جدیدی که بر اثر رنسانس، دنیا را به جوش آورده بودند و خودشان در آن جوش و خروش بودند، بر سر ما ریختند و ما خواب بودیم... ما می‌دانیم که وقتی یک عده فاتح وارد یک کشور می‌شوند، ترتیب خودشان را در آنجا برقرار می‌کنند، اما ظرافت قضیه اینجاست که ترتیب خود را می‌توانند برای یک عده از شهروندان درجه دو برقرار کنند، نه آن‌چنان‌که برای خودشان در کشور خودشان برقرار می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۸۲/۹/۲۶). در این بیانات، از تهاجم فرهنگی به عنوان تهاجم خونین و سهمگین یاد می‌شود که نشان‌دهنده ابعاد مخرب آن است و ضرورت آگاهی مسئولان و مدیران فرهنگی، به ویژه برنامه‌ریزان فرهنگی را خاطر نشان می‌کند؛ «غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن، غفلت از در کمین بودن دشمن، غفلت از نفوذ دشمن در فضای رسانه‌ای کشور، بی‌مبالاتی نسبت به حفظ بیت‌المال؛ این‌ها گناهان ماست، این‌ها نقاط ضعف ماست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۹۰/۰۵/۱۶).

خودباختگی: خودباختگی فرهنگی در اصل نوعی خودباختگی است که فرد در برابر فرهنگ و جامعه خود، بر اثر القائات منفی که به او می‌شود، به آن دچار می‌شود و همواره حالتی سرزنش‌گونه به جامعه خود و دیدی آرمانی به فرهنگ و تمدن جامعه الگو گرفته دارد. برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی باید این احساس را همواره در خود زنده نگاه داریم و از خودباختگی و احساس خودکم‌بینی در مقابل مکاتب بیگانه بپرهیزیم؛ بنابراین، از شیوه‌های عملی دشمن برای نابودی فرهنگ ملی کشورها ارائه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است. رفاه مادی، بهره‌جویی و لذت‌بردن بی‌حد و لجام‌گسیخته در زندگی و سرانجام، زندگی در چهارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویات و اخلاق و انسانیت از نمونه‌های آن است. آن‌ها انسان بی‌بندوبار، رفاه‌طلب، سودجو، ثروت‌اندوز، چپاولگر، بی‌دین و لامذهب و در یک کلام، انسان مادی را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند. مقام معظم رهبری در همین راستا معتقدند: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند

جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند تنها یک تهاجم فرهنگی نیست، بلکه باید گفت یک شیبخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۷۷/۰۴/۲۲).

سلطه فرهنگی: سلطه فرهنگی یکی از برنامه‌های نفوذ استعمار غرب است که می‌خواهد فرهنگ خودش را به جای فرهنگ غالب معرفی کند و فرهنگ‌های دیگر را تحت الشعاع فرهنگ خود قرار دهد و نابود کند. هدف غربی‌ها در تهاجم فرهنگی این نیست که واقعاً فرهنگ و تکنولوژی و پیشرفت را به کشورهای جهان سوم ببرند، بلکه هدفشان وابسته کردن آن‌ها به غرب و از بین بردن هویت و فرهنگ ملی، ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم آن کشورهاست. هدفشان این است که مردم کشورهای جهان سوم را از ارزش‌ها و اعتقاداتشان دور کنند و فرهنگی را که خودشان دوست دارند به آن‌ها تحمیل کنند. سلطه فرهنگی از انواع دیگر سلطه‌ها یعنی نظامی، سیاسی و اقتصادی خطرناک‌تر است. سلطه فرهنگی دیربازده است و زود جواب نمی‌دهد. با همین مقدار هم دیر از پا در می‌آید. ملتی که هویت فرهنگی خود را از دست بدهد و خودباخته شود، تا مدت‌ها نمی‌تواند خودش را پیدا کند.

انقلاب اسلامی ایران، به‌مثابه بزرگ‌ترین حادثه قرن و مخالف سلطه غرب، یکی از اهداف سلطه فرهنگی غرب به‌شمار می‌رود و تا به حال به انحای مختلف سعی کرده‌اند که انقلاب اسلامی ایران را از بین ببرند ولی نتوانسته‌اند. دشمنان انقلاب اسلامی ایران در مبارزه با انقلاب اسلامی راه‌های مختلفی از جمله نظامی (جنگ هشت‌ساله)، اقتصادی (محاصره اقتصادی ایران)، سیاسی (انزوای سیاسی ایران) را به‌کار گرفته‌اند و در همه آن‌ها شکست خورده‌اند و سپس به تهاجم فرهنگی علیه ایران روی آورده‌اند. با استفاده از شیوه‌های مختلف از قبیل کمک به رسانه‌های ضدانقلاب، حمایت از گروه‌های ضدانقلاب، ناکارآمد معرفی کردن نظام ولایت فقیه و غیره سعی دارند با انقلاب اسلامی ایران مبارزه کنند و جلوی صدور آن را بگیرند، ولی با عنایت خداوند متعال و توجه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی) و درایت و تدبیر مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی ایران روزبه‌روز نیرومندتر می‌شود و به‌سوی قله‌های پیشرفت و ترقی و با سرعت مضاعف به حرکت خود ادامه می‌دهد. در همین راستا، مقام معظم رهبری به‌علت ارتباط وثیق فرهنگ و هویت، سلطه فرهنگی را خطرناک‌ترین و کامل‌ترین نوع سلطه می‌داند؛ چراکه منجر به از بین بردن هویت ملت‌ها می‌شود. بر این اساس، نوع و شیوه تهاجم غرب به سایر کشورها، به‌علت ماندگاری و ابعاد گسترده تأثیرگذاری فرهنگ، به تدریج از سلطه اقتصادی به سمت و سوی سلطه فرهنگی

چرخش پیدا کرده است. «تسلط فرهنگی از تسلط اقتصادی و سیاسی هم خطرناک تر است. چرا؟ چون وقتی یک ملت بر ملت دیگر تسلط فرهنگی پیدا کرد، هویت ملتی که زیر سلطه است، از بین می‌رود... این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند ترجمه‌ای فکر می‌کند و فراورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فراورده‌های دست اول، فراورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای که آن‌ها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به‌عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند؛ این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگ‌تر و سخت‌تر است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: سخنرانی در ۱۳۷۹/۰۸/۲۴).

نتیجه‌گیری

هویت و فرهنگ دو کلیدواژه‌هایی هستند که پس از پایان جنگ سرد بسیار از آن‌ها استفاده شده است. امروزه هویت تکیه‌گاهی است که در مطالعات اسلامی، در مقایسه با سایر حوزه‌ها، با قدرت بیشتری ظاهر شده است. بنا به خصایص درونی فرهنگ، هویت می‌تواند به سوژه‌ای برای اهداف مختلف تبدیل شود. در چنین شرایطی این مقاله در حوزه مدیریت فرهنگی و با رویکردی انتقادی و اذعان به اینکه در همه علوم و معارف بشری همواره برداشتی کلی از مفهوم امنیت ارائه شده، به تحلیل و بررسی امنیت فرهنگی از منظر مقام معظم رهبری پرداخته است. اگر در ارائه شناختی از فرهنگ آن را کلی‌ترین بینش و نگرشی بدانیم که به‌مثابه نظامی از ارزش‌ها و براساس دغدغه‌ی تعالی اندیشه و رفتار انسانی روشی منزلت‌بخش را رقم می‌زند تا او را از میراث ارگانیک حیوانی‌اش فراتر برد، آنگاه می‌پذیریم که احساس ناامنی، آگاهانه یا ناخودآگاه، ماهیتی فرهنگی دارد؛ از این رو، در واکاوی پیشینه مفهوم شکل گرفته از امنیت در تلاش‌های نظریه‌پردازانه محققان به این حقیقت استناد می‌شود که می‌توان به دو نوع امنیت اشاره داشت: امنیت مبتنی بر تهدید که همواره در نگاه سنتی به فرهنگ مطرح بوده است و امنیت مبتنی بر نبود هراس از شکستن حریم ارزش‌ها به اقتضای اهداف مختلف اقتصادی و سیاسی در حال یا آینده که نگاهی متأخرتر نسبت به رویکرد اول است. با توجه به رابطه جدایی‌ناپذیر منافع انسان‌ها با فرهنگ و هویت، امنیت از اضطرار یا رویدادی طبیعی به آفریده و مخلوق آگاهی بشر در جهت مصلحت انسان تبدیل شده است. آخرین یافته‌ها در مطالعات امنیتی و فرهنگی حاکی از آن است که در منطق امنیت و عقلانیتی که در این مفهوم مستتر است، هویت برای وجود خود نیازمند تفاوت است. در نتیجه، در

گفتمان ژئوپلیتیک فرهنگی، موقعیت ما و موقعیت دیگری می‌تواند برانگیزاننده حساسیت فرهنگی و دال بر احساس ناامنی باشد. فرهنگ‌ها در قالب تلاش‌های معناجویانه انسانی تجلی می‌یابند و باوجود همه پراکنش‌های فرهنگی همواره منحصر به فرد هستند و تمایز بخش و انسجام‌دهنده اکولوژی‌های مختلف‌اند. در این زیست‌بوم‌ها همواره فرهنگ‌ها حفظ می‌شوند؛ در حالی که در زمینه‌های خاص خود و در برابر تفاوت‌های بسیار در عصر انفجار اطلاعات همواره با پرسش‌های متعدد مواجه‌اند. طی دو دهه گذشته، کنار هم قرارگرفتن دو مفهوم امنیت و فرهنگ باعث معرفی عبارت «حساسیت فرهنگی»، با همه مضامین نهفته در آن، به جامعه علمی شده است. با توجه به اشاره مستتر در مفهوم حساسیت فرهنگی، روشن است که عناصر مربوط به جوهره فرهنگ ماهیتی پویا دارد. البته این پویایی به معنای فقدان پایایی نخواهد بود؛ ضمن اینکه فرهنگ‌ها درباره گذشته‌اند و مسئله آن‌ها پایداری است، اما امنیت نگاه به آینده دارد و بر این اساس، امنیت فرهنگی حامل پیام پایایی و پویایی توأمان هر فرهنگ در تمدن خویش است.

با توجه به مباحث یادشده در حوزه فرهنگی، انقلاب اسلامی ایران مزیت‌ها و مؤلفه‌های قدرت ملی زیادی دارد و سیاست نرم‌افزاری، فرصت بهره‌گیری فعال و مثبت را از آن‌ها ایجاد می‌کند. بخشی از این فرصت‌ها در عرصه سیاسی، بخشی دیگر به فرهنگ، تمدن، تاریخ، تعلقات مذهبی مشترک و پیوستگی‌های قومی در قالب سرزمینی بازمی‌گردد؛ از این رو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با شناخت راه‌کنش‌های تقویت‌کننده و تهدیدکننده امنیت فرهنگی به اهداف موردنظر خود در جنگ نرم همه‌جانبه دشمنان این مرز و بوم فائق آید. مقام معظم رهبری در توصیه‌های حکیمانه خود پیوسته بر اولویت فرهنگ بر اقتصاد و سیاست تأکید داشته‌اند و فرمایشات ویژه‌ای مبنی بر توجه ویژه مسئولان به بخش فرهنگ بیان داشته‌اند. در بیانات معظم‌له، حقیقت غیر قابل انکار این است که عوامل تقویت‌کننده امنیت فرهنگی - باوجود تهدیدهای متصور - فرصت‌های مغتنمی را برای معرفی توان‌ها و قابلیت‌های فرهنگی ایجاد کرده است و افزایش سرمایه اجتماعی از طریق آگاه‌سازی و آموزش‌های اجتماعی و درنهایت تولید قدرت نرم فرصت‌های بسیاری در اختیار ملت‌ها و دولت‌ها قرار داده است که بیانات معظم‌له نمونه بارز استفاده مثبت از امنیت فرهنگی برای شناختن اسلام صحیح به جهانیان بوده است؛ از این رو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ظرفیت‌سازی و مدیریت کارآمد به بازتولید قدرت نرم فرهنگی که منبعث از ایدئولوژی و انقلاب اسلامی است در این حیطه دست یابد.

کتابنامه

۱. آشنا، حسام الدین؛ اسمعیلی، محمد صادق. ۱۳۸۸. «امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی». راهبرد فرهنگ. شماره ۵. بهار.
۲. افتخاری، اصغر. ۱۳۹۱. امنیت، مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳. براتلو، فاطمه. ۱۳۹۱. «امنیت فرهنگ و راهبردهای کلان آن در حوزه مدیریت فرهنگی». جامعه پژوهی فرهنگی. سال سوم. شماره ۲. پاییز و زمستان.
۴. اسلامی، علیرضا. ۱۳۸۶. «امنیت در قرآن». پایگاه اطلاع رسانی بصیرت. شناسه خبر: ۱۷۶۱۱. <https://basirat.ir/fa/news/17611>.
۵. امام خمینی، سید روح الله. ۱۳۸۹. «مجموعه بیانات و مکتوبات امام خمینی (ره)». نرم افزار صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. پایگاه اطلاع رسانی وسائل. ۱۳۹۶. «منشأ امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم». پایگاه اطلاع رسانی وسائل. <http://vasael.ir/fa/news/6337>.
۷. پایگاه اطلاع رسانی حوزه. ۱۳۹۰. «امنیت در فرهنگ قرآنی». پایگاه اطلاع رسانی حوزه: <https://hawzah.net/fa/article/view/92639>
۸. ترابی، یوسف. ۱۳۹۲. «امنیت اخلاقی در سپهر مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای». فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۸، زمستان.
۹. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۴. «نرم افزار حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی». تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی.
۱۰. داوودی، ابراهیم؛ ملکی، عباس. ۱۳۹۳. «بحران هویت و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی و اجتماعی در ایران». فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی. سال نهم. شماره ۳۰. بهار.
۱۱. رضایور، دانیال. ۱۳۹۴. «معیارهای تقویت کننده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از منظر اندیشه‌های امام خمینی (ره)». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. صالحی امیری، سید رضا. ۱۳۸۶. مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس.

۱۳. عزیزاده، سلیمان. ۱۳۹۳. «ابعاد و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی از منظر امام خمینی (ره)». فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع). سال سوم. شماره ۲. تابستان.
۱۴. فاتحی، ابوالقاسم. ۱۳۹۱. «راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار با تأکید بر گفتمان انقلاب اسلامی». فصلنامه آفاق امنیت. سال پنجم. شماره ۱۵. تابستان.
۱۵. گلشن‌پژوه، محمودرضا. ۱۳۸۷. جمهوری اسلامی و قدرت نرم؛ نگاهی به قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۶. لکزایی، نجف؛ نباتیان، محمداسماعیل. ۱۳۹۲. «امنیت فرهنگی از منظر فقه شیعه». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال شانزدهم. شماره ۴. زمستان.
۱۷. میرمحمدی، مهدی. ۱۳۹۴. «نسل‌ها، گفتمان‌ها و امنیت؛ چهارچوبی فرهنگی برای امنیت در ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال هجدهم. شماره ۲. تابستان.
۱۸. یزدان‌پناه، محمد؛ عیسی‌نژاد، محمد؛ نجات‌پور، مجید. ۱۳۹۱. «هویت اسلامی مهاجرین و امنیت فرهنگی اروپاییان؛ پیامدها و چالش‌ها». فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال اول. شماره ۴. زمستان.